

- پنج‌شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۳**
- سال هفدهم - شماره ۳۰۴۳**

سپهرغرب، گروه ریحانه‌آفرینش؛ مسئله فمینیسم، شورش و تقابیل افراطی و خارج از قاعده زنان در برابر ظلم وستم مردان است و این حرکت افراطی به نفع زنان نیست بلکه هر یک از زن و مرد لازم است تفاوت‌های طبیعی خود را بشناسد و وظایف مخصوص خود را به عهده بگیرد و از یکدیگر درک متقابل داشته باشند تا به زندگی موفق و آرامش بخش نائل شوند.

کتاب «زن در گذر زمان» نوشته سید علی

گرامیان، جایگاه زنان در طول تاریخ جهان و دلایل عقب ماندن و پیشرفت نکردن آنان در جوامع را مورد بررسی قرار می‌دهد. بنا به فرموده قرآن، زن و مرد از یک جنس و تبار هستند، ملاک برتری نزد خداوند تقوا، ایمان و عمل صالح است نه زن یا مرد بودن، اما زنان در طول تاریخ و در میان اقوام و ملل مختلف، بسیار مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. مسئله فمینیسم، شورش و تقابیل افراطی و خارج از قاعده زنان در برابر ظلم وستم مردان

است و این حرکت افراطی به نفع زنان نیست بلکه هر یک از زن و مرد لازم است تفاوت‌های طبیعی خود را بشناسد و وظایف مخصوص خود را به عهده بگیرد و از یکدیگر درک متقابل داشته باشند تا به زندگی موفق و آرامش بخش نائل شوند.

غرب در مواد احیای حقوق و آزادی زن قدم‌های مثبتی برداشته، اما در کنار آن زن را مورد استثمار و بهره‌کشی قرار داده است؛ بهره‌کشی‌های کاری در کارخانه‌ها و معاملاتی

در تجارتخانه‌ها و بهره‌برداری جنسی در مجلس‌آرایی‌های کاباره‌ها و این خلاف شخصیت حقیقی زن است. اگرچه در جامعه اسلامی، بازهم کم و بیش زن در محدودیت و ستم بوده، اما در فرصت‌های پیش آمده چه در صدر اسلام و چه در انقلاب زن شخصیت و لیاقت خود را نشان داده است. زن سامان‌دهنده زندگی و مایه آرامش و سکون خانواده می‌باشد.
■ در بخشی از کتاب زن در گذر زمان

زن در گذر زمان

می‌خوانیم:

آیا زن علاوه بر فرزندآوری و تربیت فرزند و خانه‌داری، مجاز است در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نیز وارد شود و مسئولیت بپذیرد؟ البته برای زن در اولویت همان فرزندآوری و تربیت فرزند و خانه‌داری است. این برای زن هم طبیعی‌تر و هم راحت‌تر است و هم برای جامعه مؤثرتر و مفیدتر است. زن وقتی دسته‌گلی به نام فرزند در آغوش خانواده می‌گذارد و فرزند

رویکرد معیشتی به اشتغال، چالش اصلی نرخ مشارکت زنان در اقتصاد

تنها سه درصد از اشتغال زنان در سطح مدیریتی است

سپهرغرب، گروه ریحانه‌آفرینش – پاهره ترابی‌مهوش؛ در پیی گفت‌وگو با تحلیلگر بازار مشخص شد؛ امروز رویکرد معیشتی به اشتغال، چالش اصلی نرخ مشارکت زنان در حوزه اقتصاد به‌شمار می‌رود.

یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است که دامنه وسیعی از تغییر باورها و انگاره‌های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد اما اشتغال زنان، در میان این تحولات اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد. یکی از وجوه اهمیت موضوع اشتغال زنان، تأثیرات عینی و مشهود آن در عرصه اجتماعی از یک سو و عرصه‌های فردی از سوی دیگر است. این ویژگی مهم موجب شده اشتغال زنان به مقوله‌ای تبدیل شود که ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد.

درواقع در دنیای امروز پدیده اشتغال زنان را می‌توان از ضرورت‌های جامعه مدرن دانست اما در کشور ما به عنایت به اینکه ابفای نقش همسری، مادری و حضور در عرصه مدیریت، فعالیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای بانوان شاغل که نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند، مستلزم تطبیق شرایط کار با وضعیت خانوادگی و حمایت‌های شغلی ویژه است بنابراین بایستی تسهیلات لازم برای اشتغال آنان فراهم و خلأها و موانعی پیش رو برطرف شود.

با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا در خصوص چالش‌های پیش روی اشتغال زنان جوان از اقتصاددان و تحلیلگر بازار کار گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

فاطمه عزیزخانی با بیان اینکه فارغ از موضوع جنسیت، نرخ بیکاری جوانان بالاتر از میانگین نرخ بیکاری در کشور و در بین جوانان تحصیلکرده بیشتر است، گفت: اگر نگاه جنسیتی هم به این موضوع داشته باشیم مشخص می‌شود این نرخ در بین زنان تحصیلکرده از مردان بیشتر است.

وی افزود: درخصوص چرایی و چگونگی وجود این مسئله در ایران باید بگوییم یکی از دلایل اصلی آن این است که در ساختار نظام حکمرانی کشور آنچنان هدف‌گذاری صحیحی روی اشتغال زنان صورت پذیرفته یعنی اصلاً شواهد هنوز ما به این باور نرسیدیم که زنان هم ۵۰ درصد از جمعیت در سن کار هستند و می‌توانند وارد بازار کار شوند.

وی با تأکید بر اینکه هنوز اجماع فکری و یا به بیان بهتر اتفاق ملی که در سطح نظام تصمیم‌گیری کشور، بخواهد زن را به‌عنوان نیروی کار پذیرفته و برای آن برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کند، نداریم خاطرنشان کرد: علاوه بر این مباحث قومیتی و فرهنگی هر یک از اقوام ایرانی نیز در اشتغال زنان ی تأثیر نیست.

تحلیلگر بازار کار ادامه داد: اگر روند تاریخی ایران را بررسی کنیم، مشخص می‌شود که معمولاً در تمام دوره‌های قبل و بعد از انقلاب در بین نقشه اقتصادی زنان آنچنان ضرور نداشته‌اند و

این جایگاه آنگونه که باید پذیرفته نشده، از طرفی بخشی نیز به این مسئله بازمی‌گردد که در فرهنگ ما اینگونه جا افتاده که مردها نان‌آور خانه‌اند و خانم‌ها مسئولیت‌شان خانه‌داری و تربیت فرزندان است؛ بنابراین در حال حاضر در برخی از فرهنگ‌ها و قومیت‌ها حتی اشتغال زنان در بیرون از منزل امری قبیح شمرده می‌شود.

عزیزخانی ادامه داد: این در حالی است که وقتی به سیر نظام آموزشی کشور نگاه می‌کنیم مشخص می‌شود که طی این سال‌ها زنان هم پا به پای مردان آموزش دیده و همین آموزش برای فرد انتظارات جدیدی ایجاد می‌کند چراکه وقتی سطح تحصیلات فرد بالا می‌رود برخی انتظارات برای رسیدن به موقعیت‌های بهتر اجتماعی و درآمدی در او شکل می‌گیرد، حال با این وجود اینکه زنان امروز از نظر آموزش و بهداشت شرایط بهتری را نسبت به قبل تجربه می‌کنند، از نظر مؤلفه‌های اقتصادی و اشتغال بازهم عقب‌تر از مردان هستند.



وی با تأکید بر اینکه این عقب‌ماندگی را به‌وضوح می‌توان بر حسب نرخ مشارکت اجتماعی به اثبات رساند تشریح کرد: در حال حاضر نرخ مشارکت زنان حدود یک‌پنجم نرخ مشارکت مردانه است.

وی با اشاره به اینکه البته این موضوع را می‌توان با نسبت نرخ بیکاری نیز به‌اثبات رساند ابراز کرد: در حال حاضر نرخ بیکاری زنان بیشتر از مردان بوده و در عین حال این مسئله در نسل جوان به‌مراتب بیشتر هم هست.

این اقتصاددان با بیان اینکه افزایشی بودن نرخ بیکاری در بین نسل جوان زنان، به عوامل مختلفی مرتبط است تشریح کرد: نخست اینکه طول مدت بیکاری برای زنان جوان بیشتر از مردان جوان است که دلیل آن را می‌بایست در این مسئله جستجو کرد که زنان چون درگیر تکفل خانواده و سرپرستی خانوار نیستند، برای یافتن موقعیت بهتر شغلی صورت‌ر هستند اما مردان جوان که باید نان‌آور خانه باشند به‌طور ناخودآگاه مدت بیکاری‌شان پایین می‌آید و خیلی سریع‌تر سعی می‌کنند کاری را دست و پا کرده و یا

در کاری مشغول شوند.

عزیزخانی افزود: برای مثال امروز در بین رانندگان تاکسی‌های اینترنتی به‌راحتی می‌توان آقایانی را دید که با داشتن مدرک کارشناسی ارشد و دکتری، مشغول به کار هستند؛ چراکه برای مردان تأمین معیشت خانوار مطرح بوده و سریعاً به‌دنبال آن هستند که وارد بازار کار شوند. وی افزود: البته چند مانع دیگر نیز وجود دارد که به‌عنوان یک شاخص در کارفرمایان به‌عنوان یک امر جاافتاده تلقی می‌شود و آن اینکه بالأخره یک زن جوان با داشتن تحصیلات بالا، قرار است به‌زودی ازدواج کرده و مادر شود؛ بنابراین همواره در بین انتخاب یک نیروی جوان، نیروی مرد است که مورد پذیرش کارفرمایان قرار می‌گیرد چراکه زنان در صورت تأهل با فرزندآوری از حمایت‌های قانونی همچون مرخصی زایمان و بارداری و غیره برخوردار هستند، پس ترجیح کارفرمایان سرمایه‌گذاری بر روی نیروی جوان مرد بیشتر است.

این اقتصاددان با ابراز اینکه درواقع موانع عنوان‌شده در اشتغال زنان، دست به دست هم می‌دهند که این فشر را از بازار کار خارج کنند تشریح کرد: در اثبات این مسئله همین بس که وقتی نرخ مشارکت را می‌سنجیم تقریباً به یک عدد مساوی در بین زنان و مردان می‌رسیم اما در ادامه محاسبی همچون تأهل و فرزندآوری به‌تدریج زنان را از گردونه رقابت به‌طور کامل خارج می‌کند.

عزیزخانی تأکید کرد: البته این امر در تمام دنیا همین تأثیر‌گذاری را دارد به طوری که طبق بررسی‌ها آمار نشان می‌دهد که بالای ۶۰ درصد از دلایل خروج زنان از بازار کار، تأهل و فرزندآوری است نه دلیل دیگر، همین مسئله منجر به آن شده که این عزیزان از رشد در موقعیت‌های شغلی نیز بازمانند به طوری که امروز در مدیریت‌ها و مشاغل مرتبط با نظام تصمیم‌گیری بازهم حضور زنان بسیار کمتر از مردان است. وی اظهار کرد: این مقوله خود بیانگر آن است که ما در عرصه سیاست‌گذاری اگر قرار است زن را به رسمیت بشناسیم در گام نخست باید بتوانیم حضور فعال زنان در بازار کار و عرصه اقتصادی را فراهم کرده تا این تبعیض جنسیتی که از بعد مؤلفه‌های اقتصادی بین زن و مرد خیلی واضح است را از بین ببریم.

وی با بیان اینکه امروز در کشورهایی همچون نروژ و سوئد نرخ مشارکت زنان ۸۰ درصد است تشریح کرد: اگر چرایی این مسئله را جستجو کنیم به این موضوع برمی‌خوریم که سیاست‌هایی در خصوص ارزشمندی زنان و به رسمیت شناخته شدن آنان در جایگاه‌های مختلف تعریف شده مثل قوانین دوستدار خانواده‌که در آن برای مردان سهمی برابر زنان در فرزندپروری و مراقبت از فرزند دیده شده؛ بنابراین در این کشورها برای انتخاب نیروی کار مسائل جنسیتی دیگر ملاک نبوده و بهره‌وری فردی را مد نظر دارند، یعنی تمایزی بین نیروی کار مرد و زن در انتخاب وجود

ندارد بلکه ملاک انتخاب تخصص و بهره‌وری بیشتر افراد است.

این تحلیلگر بازار کار با تأکید بر اینکه حتی از نظر تقنینی هم اگر مؤلفه‌های جهانی را رصد کنید حقوق‌های مدنی که زنان از آن برخوردارند حدود دوسوم حقوق مدنی است که مردان می‌توانند به آن‌ها دست پیدا کنند، تشریح کرد: علاوه بر این در ۷۷ کشور جهان طبق قواعد حاکم، زنان از بسیاری مشاغل منع هستند بدان معنا که متأسفانه برخی مشاغل تنها مختص مردان است، همین تبعیض باعث شده که مشارکت زنان به‌مراتب کمتر از مردان باشد.

عزیزخانی با اشاره به وجود شکاف ۲۳ تا ۲۴ درصدی اشتغال بین مردان و زنان در سطح دنیا گفت: این عدد در ایران به‌مراتب بیشتر است یعنی اشتغال زنان فقط ۲۰ درصد از سهم کل شاغلان را شامل می‌شود.

وی در خصوص سهم زنان از مشاغل مدیریتی

گفت: طبق آخرین بررسی‌که در این زمینه تا آخر سال میلادی ۲۰۲۴ انجام شده، این سهم در سطح بین‌الملل ۲۵ درصد است که طبق بررسی که در اشتغال زنان طی دهه ۹۰ داشتیم این عدد به ۱۶ درصد می‌رسد.

این اقتصاددان با بیان اینکه در این بین تنها

سه درصد از زنان شاغل ما در دسته مدیران

هستند، عنوان کرد: علاوه بر این با وجود اینکه

۴۳ درصد از متخصصان ما در کشور بانوان

هستند، تنها ۲۴ درصد از زنان شاغل در دسته

متخصصان قرار گرفته‌اند.

عزیزخانی با اشاره به اینکه وقتی سهم عمده زنان شاغل را در بین مشاغل موجود رصد

می‌کنیم؛ مشخص می‌شود که ۵۷ درصد از زنان شاغل ما در کسب و کارهای یک تا چهار نفره کار می‌کنند؛ یعنی در کسب و کارهای خرد و کوچک، تشریح کرد: بدان معنا که نه‌تنها برای بخش عمده‌ای از زنان مسیر رسیدن به بازار کار طولانی است بلکه وقتی هم که در کسب و کاری مشغول می‌شوند، آن شغل آسیب‌پذیر بوده و مناسب نیست و نمی‌توان آن را در رسته یقه سفیدها قرار داد.

وی با اشاره به اینکه طبق بررسی‌های که اخیراً در دنیای اقتصاد داشتیم مشخص شد که بین مشارکت زنان در کشور و درآمد سرانه حالت وارونه دارد یعنی زنان ما وقتی به سطح خاصی درآمد می‌رسند از بازار کار خارج شده و ترجیح‌شان بر این است که دیگر مشارکتی در اقتصاد نداشته باشند تشریح کرد: این بدان معنا است که رویکرد زنان ما برای ورود به بازار غالباً معیشتی است نه توسعه‌ای یعنی فرد (زن) عمدتاً به‌دلیل اینکه که بتواند تا حدودی احتیاجات خود و خانواده‌اش را برطرف کند وارد بازار کار شده پس وقتی به خودکفایی رسید در عمده موارد شاهد خروج او از بازار کار هستیم.

این تحلیلگر بازار با تأکید بر اینکه متأسفانه هنوز در کشور نتوانستیم رویکرد توسعه‌ای اشتغال را برای زنان ایجاد کنیم یا حداقل در حرفه‌ای درآمدزایی برای افراد و مدرک‌گرای است؛ یک نقشه برنامه‌ریزی بلندمدت برای خود رویکرد توسعه‌ای در مسیر بازار کار در نظر بگیرد، تصریح کرد: در این زمینه نیاز است از نظر سیاست‌گذاری این رویکرد به طرق مختلف تقویت شود.

عزیزخانی با عنوان اینکه به‌نظر شما تا چه حد



سالم و صالح تربیت و تقدیم جامعه می‌کند، در حقیقت به باروری، نو شدن و سلامت جامعه کمک کرده است و هیچ چیز در این زمینه جایگزین وظیفه زن نمی‌شود. ریشه و اصل همه خوبی‌ها از خانواده آغاز می‌شود. این سخن معروف است که هرکس هرچه دارد، از بند قنداقش دارد و این بند قنداق باز کردن و بستنش (تربیتش) در دست مادر است، البته زن توقع دارد کارش در خانه دیده و قدر خانه‌داری‌اش شناخته شود.

مشاغل خانگی و کسب و کارهای آنلاین توانسته بین دختران جوان ما رسوخ کرده و به لحاظ کسب و کاری نقش‌آفرینی داشته باشد؟ اذعان کرد: ما به لحاظ مهارت و آموزش شرایط یکسان را در بین زنان و مردان داریم، اینگونه نیست که زنان ما آموزش کمتری دیده و پسران ما آموزش بیشتری می‌بینند و حتی ورود زنان به عرصه‌های و رشته‌های فنی مهندسی طی چند سال اخیر پررنگ‌تر است اما متأسفانه آن رویکردی که ما از مشاغل خانگی در اشتغال زنان داریم صرفاً حمایتی است.

وی ابراز کرد: یعنی ما دنبال آن هستیم که یک زن آسیب‌پذیر سرپرست خانوار را شناساسی کرده و با در اختیار گذاشتن یک چرخ خیاتی یا مواد اولیه ترشچیات برای او در سطحی‌ترین شکل درآمد ایجاد کنیم. این در حالی است که اگر راهبردی در سطح کشور طراحی شود که اشتغال را در مسیر توسعه قرار دهد آن وقت است که می‌توان این اشتغال را رویکرد درست قلمداد کرد.

وی با تأکید بر اینکه متناسب با نیاز روز باید مشاغل خانگی را مبتنی بر فناوری اطلاعات دنبال کرد و در عین حال این رویکرد در سازمان فنی و حرفه‌ای نیز به‌عنوان یک روند دنبال شود گفت: متأسفانه امروز عمده رویکرد فنی و حرفه‌ای درآمدزایی برای افراد و مدرک‌گرایی است؛ بنابراین بدون توجه به نیاز تنها در رشته‌هایی که مربی آن در اختیارشان قرار دارد در سطحی‌ترین شکل به‌صورت سنتی افراد آموزش داده شده و همچنان رویکرد معیشتی و سنتی به اشتغال در این سازمان دنبال می‌شود.

*کمک زنان شاغل به ایجاد رفاه در خانواده شریفی یزدی درباره استقلال مالی زنان گفت: منظور از استقلال مالی، داشتن منبع تولید مالی برای زنانی است که بیرون از خانه‌کار می‌کنند اما خانمی که خانه‌دار است نیز تولید مالی در خانواده دارد. یک تفکر اشتباهی که بسیار رایج است، اینکه یک زن خانه‌دار تولید مالی ندارد و درآمدی ایجاد نمی‌کند؛ اما نباید غافل شد که اگر مواد اولیه غذایی که برای خانواده آماده می‌شود بفرض ۵۰۰ هزار تومان هزینه دارد و چهار نفر از آن استفاده می‌کنند، این بخوابیم این غذا را بیرون تهیه کنیم باید برای مثال یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برای آن هزینه کنیم؛ این تفاوتی که به چشم نمی‌آید به نوعی تولید پول و کمک به میزان هزینه و در آمد، متوجه می‌شویم بسیار کمک حال خانواده هستند.

درآمد کرد تا در خدمت خانواده قرار بگیرد؛ البته مهارت‌های دیگری برای خانم‌های خانه‌دار نیز باید آموزش داده شود که یکی بحث شناسایی مراکزی است که به‌صورت ارزان‌تر اما با کیفیت مناسب، نیازمندی‌های خانواده را از بعد کالایی، سلامت جسم، سلامت روان و سید فرهنگی تأمین کرد. همچنین این پژوهشگر علوم اجتماعی درباره افزایش سطح دانش زنان تصریح کرد: افزایش سطح دانش زنان برای مثال در حوزه تغذیه مهم است. زنان می‌توانند یاد بگیرند که اعضای خانواده در هر سنی که هستند، چه چیزی نیاز دارند و اگر دو منبع برای رفع نیاز وجود دارد باید بتوانند بین منابع «تعادل» ایجاد کنند؛ برای مثال پروتئین را هم می‌توان از گوشت گوسفند گرفت و هم از تخم مرغ؛ زمانی که مهارت و دانش تغذیه فرا گرفته شود، می‌توانند مواد غذایی را در راستای مدیریت اقتصادی خانواده و در صورت لزوم جایگزین کنند. به طور کلی دانش و مهارت‌ها کمک می‌کند فرد نیازهای واقعی خانواده را تشخیص داده و منابع جایگزین را بتواند در نظر بگیرد؛ همچنین بر آن‌ها نظارت داشته باشد تا بدانند آیا این شیوه مدیریت توانسته به حد نیاز کافی، پاسخگوی نیازهای خانواده باشد یا خیر؟
■ تولید مالی «غیرمستقیم» زنان خانه‌دار